

دلبستگی بزرگسالان و کیفیت ارتباط زوجین براساس مشاهده تعاملات آنها[□]

Adult Attachment and Quality of Couples' Communication Based on Observed Couple Interactions*

Mansoureh Alsadat Sadeghi, [✉] Ph.D.

Mahammad Ali Mazaheri, Ph.D.

Fereshteh. Moutabi, Ph.D.

دکتر منصوره السادات صادقی **

دکتر محمدعلی مظاهری **

دکتر فرشته موتابی ***

Abstract

The present study explores the links between adult attachment and couples' positive and negative interactions. The Iranian Couples Interaction Coding System (ICICS) was applied for the rating videotaped problem-solving, decision making and reviewing conversation about a shared pleasure event in the past interactions, which were made by ۲۱ distressed and non-distressed couples. In addition to the couples' interactions, the Marital Adjustment Test (MAT) and the Attachment Styles Questionnaires (ASQ) were also completed by all couples. The results revealed that frequency of secure attachment (both secure) in nondistressed couples was significantly higher. In terms of the couples' interaction, while the secure couples showed significantly higher positive interaction on ICICS, insecure couples (both insecure attachment) were more likely to show negative interactions. It was also revealed that the secure couples were more likely to express their niceness by using the word "we". The analysis indicated that men's insecure attachment style was a strong predictor of their wives' negative interactions. Interpretation of the results focuses on the role of early developmental experiences with main caregivers in integration of cognitive and affectional representations of self and others as

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه تعاملات مثبت و منفی در زوجین با سبکهای دلبستگی مختلف طراحی شد. بدین منظور ۳۱ زوج سازگار و ناسازگار (۱۶ ناسازگار)، از بین زوجین ۵۰-۱۸ سال ساکن تهران، از طریق نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش نظام کدگذاری تعامل زوجین ایرانی (ICICS)، آزمون سازگاری زناشویی (MAT)، و پرسشنامه سبکهای دلبستگی می باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمونهای کراس کال والیس، انجام شده است. نتایج بررسی داده ها نشان داد در حالی که جفت شدن سبکهای دلبستگی زوجهای سازگار بیشتر از نوع ایمن می باشد، جفت شدن سبک دلبستگی هر دو ناایمن فقط در زوجین ناسازگار مشاهده می شود. مقایسه میزان تعاملات مثبت و منفی رد و بدل شده بین زوجین با سبکهای دلبستگی مختلف نشان داد در زوجین با سبک دلبستگی هر دو ناایمن در مقایسه با زوجین دیگر میزان کاربرد تعاملات منفی بیشتر است. این در حالی است که زوجین با سبک دلبستگی هر دو ایمن ارتباط مثبتی با یکدیگر دارند به گونه‌ای که زنان و شوهران برای توصیف رابطه خود بیشتر از کلمه "ما" استفاده می کنند. همچنین نتایج پژوهشها نشان داد سبک دلبستگی ناایمن مردان پیش بینی کننده قوی‌ای برای کاربرد تعاملات منفی در زنان آنها می باشد، به گونه‌ای که هر چه بعد ایمنی در مردان بیشتر باشد میزان تعامل منفی زنان آنها نیز کمتر است. در تفسیر یافته های فوق با استناد به نظریه دلبستگی بر نقش تجربیات تحولی دوران اولیه تحول با مراقبین اصلی در یکپارچه شدن بازنمایی شناختی- عاطفی (الگوهای کاری) از خود،

*Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, I.R. Iran.
[✉]Email: m-sadeghi@sbu.ac.ir

□ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱/۲۹ تصویب نهایی: ۱۳۸۹/۶/۱۳
*این مقاله با حمایت مالی سازمان ملی جوانان انجام شده است
** پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی
*** گروه روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی

well as relations with the important others. As a result, secure couples, who have positive perspective of self and important others, show richer relationships, higher self-efficacy and more intimacy with their spouses.

Keywords: matches of attachment styles, styles of couples' attachment, observed Iranian couple interactions, verbal and nonverbal interaction.

دیگران و روابط با دیگران مهم اشاره شده است، به طوری که زوجین دلبسته ایمن با ادراک مثبت از خود و دیگران مهم در مقایسه با گروههای دیگر روابط غنی تر، اعتماد به نفس بیشتر و احساس راحتی و صمیمیت بیشتری با همسرانشان دارند.

کلیدواژه‌ها: شدن سبکهای دلبستگی، انواع سبکهای دلبستگی، نظام کدگذاری تعامل زوجین ایرانی، تعاملات مثبت و منفی.

● مقدمه

بالبی (۱۹۷۳)، به نقل از رویزمن و همکاران، (۲۰۰۵) ادعا کرد که تجارب دلبستگی اولیه بزرگسالان نقش اساسی در کیفیت و کمیت روابط نزدیک آنها در آینده دارد. طبق نظریه دلبستگی بالبی (۱۹۶۹، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰)، افراد تمایل به جستجوی رابطه ای نزدیک و توأم با حمایت، شبیه رابطه‌ای با چهره های دلبستگی اولیه، دارند. به اعتقاد بالبی راهبردهای مدیریت در مهار تنیدگی‌های هیجانی و اشتیاق برای استفاده از صمیمیت در روابط نزدیک به عنوان «پایگاه/ایمن»^۱ فهم نظریه دلبستگی را در چارچوب روابط زوجین ممکن می‌سازد (بالبی، ۱۹۸۸). شیور^۲ و همکاران (۱۹۸۸)، به نقل از مظاهری، (۱۳۷۹) اعتقاد دارند که روابط عاشقانه را می‌توان به عنوان یک فرایند دلبستگی مفهوم سازی کرد. مطابق این دیدگاه روابط ایجاد شده بین همسران رابطه دلبستگی است با همان خصوصیتی که بالبی تشریح کرده است. یعنی این روابط پیوندهای عاطفی مداومی هستند که با «پویایی‌های هیجانی پیچیده»^۳ مشخص می‌شوند.

با تاکید ویس^۴ (۱۹۷۵)، به نقل از وامپلر و همکاران، (۲۰۰۳) هر مفهوم قدرتمند دلبستگی و نقش مرکزی نظام رفتاری دلبستگی در فهم درد جدایی و طلاق زوجین، توجه پژوهشگران (از قبیل؛ فریلی و شیور، ۲۰۰۰؛ هازن و شیور، ۱۹۹۲؛ همپسون و رولز، ۱۹۹۸، و ...) و متخصصین بالینی بخصوص خانواده و زوج درمانگران (مانند؛ بکیرمنز-کرانبرگ و همکاران، ۲۰۰۳؛ جانسون و ویفن، ۲۰۰۳؛ وود، ۲۰۰۲، و ...) بر نقش دلبستگی در روابط زوجین جلب شد و نتایج بررسی مدارک و شواهد نشان داد که دلبستگی اولیه افراد در رضایت از روابط بعدی آنها بخصوص با افراد نزدیک ارتباط نزدیکی دارد (لاکی، ۲۰۰۸ و وامپلر و همکاران، ۲۰۰۳). نتایج پژوهش‌ها نشان داد که

در بزرگسالان «دل‌بسته / ایمن» میزان صمیمیت و رضایت از رابطه بیشتر از همتایان «نا/ایمن» آنها است (فینی، ۱۹۹۹، کولینز و رید، ۱۹۹۰)، و نیز بین انواع دل‌بستگی و میزان سازگاری زناشویی رابطه نزدیکی وجود دارد (گالو و اسمیت، ۲۰۰۱ و سنکاک و لئونارد، ۱۹۹۲)، به طوری که زوجین با دل‌بستگی ایمن کمتر از زوجین با دل‌بستگی نایمن بخصوص نایمن اضطرابی تعاملات منفی دارند (گالو و اسمیت، ۲۰۰۱).

در همین زمینه نتایج مطالعه میکولینسر^۵ و ناکسون^۶ (۱۹۹۱)، به نقل از پیلاگ و همکاران، (۲۰۰۶) نشان داد که بزرگسالان با سبک‌های دل‌بستگی متفاوت، الگوهای ارتباطی متفاوتی نیز دارند. این پژوهشگران تاکید کردند که سبک‌های دل‌بستگی با خود افشایی رابطه نزدیکی دارد به گونه‌ای که افراد دل‌بسته ایمن بیش از افراد دل‌بسته نایمن خود افشایی دارند و بیش از دوگروه نایمن از پیام‌های واضح استفاده می‌کنند. همچنین پیستول^۷ (۱۹۸۹)، به نقل از پیلاگ و همکاران، (۲۰۰۶) گزارش داده است که افراد با دل‌بستگی ایمن بیش از افراد دل‌بسته نایمن از راهبرد حل مساله در بحث‌هایشان استفاده می‌کنند.

از سویی دیگر متخصصین خانواده و زوج درمانی که یکی از معتبرترین روشها برای شناسایی الگوهای ارتباط زوجین را روشهای مشاهده رفتار زوجین و کدگذاری رفتارهای تعاملی کلامی و غیرکلامی زوجین گزارش داده‌اند، به بررسی الگوهای دل‌بستگی زوجین و تفاوت تعاملات کلامی و غیرکلامی زوجین دل‌بسته ایمن و نایمن پرداختند (پیلاگ و همکاران، ۲۰۰۶، واپلر و همکاران، ۲۰۰۳، بکیرمنز-کراننبرگ و همکاران، ۲۰۰۳)

در یک مطالعه طولی که فینی، سولر و کالان^۸ (۱۹۹۴) در بررسی ارتباط بین دل‌بستگی، ارتباط و رضایتمندی از رابطه انجام داده بودند نتایج نشان داد در حالی که «شوهران دل‌بسته / ایمن» میزان خودافشایی بیشتری داشته اند، «زنان نا/ایمن» تعارض و نارضایتی بیشتری را در زندگی خود گزارش داده اند. هم مردان و هم زنان نایمن الگوهای مخربی از تعارض و فقدان مذاکره را در گفتگوهای خود نشان داده بودند. البته در چندین مطالعه رابطه بین دل‌بستگی نایمن با بروز تنیدگی حمایت (دوزیر و همکاران، ۱۹۹۹ و پیرسون و همکاران، ۱۹۹۴) و در مطالعاتی نیز این رابطه نفی شد (واترز و همکاران، ۲۰۰۲). البته نتایج مطالعات به صورت همگرا نشان داده است که

زوجین تنیده از روابط خود رضایت کمتری دارند و بروز نشانه‌های تنیدگی نیز در آنها بیشتر است (کریچ و باکوم، ۲۰۰۴، گارمن و فرانکل، ۲۰۰۲، گاتمن و نوتاریوس، ۲۰۰۲).

علیرغم وجود نتایج همگرایی پژوهش‌های خودگزارش دهی و مشاهده‌ای در جوامع غربی که حاکی از ارتباط بین سبک‌های دبستگی و کیفیت و کمیت تعاملات و یا ارتباط زوجین می‌باشد (پیلاگ و همکاران، ۲۰۰۶؛ واپلر و همکاران، ۲۰۰۳؛ بکیرمنز-کرانبرگ و همکاران، ۲۰۰۳؛ گالو و اسمیت، ۲۰۰۱)، پژوهش‌های انجام شده در این زمینه در ایران اغلب محدود به انجام پژوهش‌هایی با ابزارهای ترجمه شده جوامع غربی است (به عنوان نمونه، افخمی، بهرامی و فاتحی‌زاده، ۱۳۸۶). بنابراین با توجه به نقش با اهمیت الگوهای تعاملی و ارتباطی در کیفیت روابط زوجین و نیز فقدان پژوهش‌هایی با استفاده از روش مشاهده‌ای تعامل زوجین، پژوهش حاضر در نظر دارد با «بررسی الگوهای دبستگی زوجین سازگار و ناسازگار» به مشاهده الگوهای تعاملی آنها بپردازد.

● روش تحقیق

○ «جامعه آماری» پژوهش حاضر شامل کلیه زوجین سنین ۵۰-۱۸ سال تهران هستند. ۳۱ زوج گروه نمونه از بین این زوجین و بدین طریق انتخاب شدند: اطلاعیه عمومی در سطح شهر برای دعوت از زوجین مشکل دار و بدون مشکلی که متمایل به شرکت در این پژوهش بودند، پخش شد. همچنین نامه‌هایی برای چندین مرکز خدمات مشاوره و روانشناسی فرستاده شد تا زوجینی که برای درمان به این مراکز مراجعه نموده اند و تابحال جلسات درمانی نداشته اند برای شرکت در این پژوهش معرفی نمایند. زوجهای ناسازگار (۱۶ زوج) پس از تماس تلفنی و بررسی ملاکهای شمول از قبیل عدم ابتلا به اختلالهای روان گسسته (با پرسش در این مورد که آیا سابقه مراجعه به روانپزشک یا روانشناس داشته اند و یا اینکه آیا تا بحال روانپزشک برایشان داروی خاصی تجویز نموده است)، عدم ابتلا به سوء مصرف مواد (به جز سیگار)، عدم وجود خیانت (ناسازگاری زناشویی به خاطر وجود خیانت نباشد)، و عدم شرکت در جلسات روان درمانی دیگر، برای شرکت در پژوهش تعیین وقت شدند. زوجهای سازگار (۱۵)

زوج) داوطلب، از طریق تلفن با ملاک‌هایی نظیر سن زوجین، سن ازدواج، و تعداد فرزندان با زوجین ناسازگار جور شده و برای شرکت در پژوهش دعوت شدند.

جدول ۱- خصوصیات توصیفی گروه نمونه زوجین

متغیر	ناسازگار	سازگار
میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)
نمره سازگاری زناشویی زنان	۵۸/۰۶ (۲۴/۴۳)	۱۱۲/۷۶ (۱۷/۶۳)
نمره سازگاری زناشویی شوهران	۶۲/۵۶ (۲۶/۸۸)	۱۱۹/۶۰ (۱۶/۲۲)
نمره دبستگی ایمن زنان	۵/۰۱ (۲/۴۰)	۸/۱۲ (۱/۵۱)
نمره دبستگی ایمن شوهران	۵/۰۷ (۲/۳۳)	۷/۶۶ (۰/۷۲)
نمره دبستگی ناایمن اضطرابی زنان	۳/۰۲ (۲/۲۵)	۲/۵۱ (۱/۰۹)
نمره دبستگی ناایمن اضطرابی شوهران	۴/۰۱ (۲/۵۱)	۲/۲۳ (۰/۷۹)
نمره دبستگی ناایمن اجتنابی زنان	۳/۶۳ (۲/۱۳)	۱/۰۷ (۱/۱۵)
نمره دبستگی ناایمن اجتنابی شوهران	۳/۸۱ (۲/۴۰)	۱/۷۳ (۰/۸۹)

این زوجین پس از مراجعه به آزمایشگاه «پژوهشکده خانواده» پرسشنامه‌های «سبک‌های دبستگی بزرگسالان»^۸ (هازن و شیور، ۱۹۸۷) و «سازگاری زناشویی» (لاک و والاس، ۱۹۵۹) را تکمیل نمودند. خصوصیات جمعیت شناختی زوجین نشان داد که میانگین سالهای ازدواج زوجین ۸/۰۹ سال و میانگین تعداد فرزندان آنها ۱/۰۴ سال می باشد. در حالی که میانگین سنی شوهران ۳۵/۵۴ و میانگین سالهای تحصیلی آنها ۱۴/۹۸ سال می باشد، میانگین سنی زنان آنها ۲۹/۸۷ و میانگین سالهای تحصیلی آنها ۱۴/۲۹ سال می باشد. در جدول ۱ خصوصیات توصیفی زوجین سازگار و ناسازگار نشان داده شده است.

ابزار

□ «آزمون سازگاری زناشویی»^۹ MAT (لاک و والاس، ۱۹۵۹). این مقیاس یک ابزار خود گزارش دهی کوتاه است که به منظور اندازه‌گیری کیفیت کنش وری ازدواج طراحی شده است و معمول ترین ابزار اندازه‌گیری به کار برده شده در این زمینه می باشد که با ۱۵ ماده نشان می دهد تا چه حد پاسخ دهنده با همسر خود در خصوص تعدادی از فعالیتهایی که در سازگاری زناشویی نقش بنیادین دارند، موافق است (اسکامکر و لئونارد، ۲۰۰۵). مقیاس بایستی به وسیله هریک از زوجین به طور جداگانه

تکمیل شود و بدین ترتیب امکان اندازه گیری کلی سازگاری زناشویی بر پایه ادراک بین فردی از روابط زناشویی را فراهم می آورد. گستره نمرات این آزمون می تواند از ۲ تا ۱۵۸ باشد که نمرات پایین نارضایتی و نمرات بالا رضایت را نشان می دهند و میانگین نمرات برای مردان ۱۱۰ و برای زنان ۱۰۸ است. نمرات ۱۰۰ و بالاتر به طور کلی رضایت از ازدواج را نشان می دهد و نمرات پایین تر از ۱۰۰ نشان دهنده تنیدگی در روابط زناشویی است. MAT با کاربرد روش دو نیمه کردن اعتبار ۰/۹۰ را نشان داده است. این آزمون توسط مظاهری (۱۹۹۷) با روش ترجمه مجدد بر روی زوجین ایرانی اجرا شده است و تاکنون در پژوهشهای متعددی (به عنوان نمونه مظاهری و همکاران، ۱۳۸۲؛ رضانی، ۱۳۸۸، صادقی و همکاران، ب.ت) بر روی نمونه های ایرانی اجرا شده است. اعتبار این آزمون در پژوهشهای ذکر شده از طریق محاسبه آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۸۱ تا ۰/۸۳ در تغییر بوده است. روایی تفکیکی این ابزار نیز در پژوهش صادقی و همکاران (ب.ت) تایید شده است. اعتبار مقیاس سازگاری زناشویی در پژوهش حاضر ۰/۸۹ به دست آمده است.

□ پرسشنامه سبکهای دبستگی بزرگسالان (هازن و شیور، ۱۹۸۷): این پرسشنامه یک ابزار اندازه گیری تک عاملی خودگزارش دهی است که با روابط بزرگسالان تطبیق داده شده است. این ابزار اندازه گیری حاوی سه عبارت توصیفی از احساس های فرد درباره راحتی با نزدیکی و صمیمیت در روابط است. هر توصیف یکی از سه سبک دبستگی را نشان می دهد و از پاسخ دهندگان خواسته می شود تا کاربردپذیری هر یک از توصیف های سه گانه را در مورد خودشان روی مقیاس لیکرت ۹ درجه ای نشان دهند. همچنین شرکت کنندگان بایستی یکی از توصیفها را که بهتر از همه احساس آنها را در روابط نزدیک و صمیمی توصیف می کند، به عنوان اینکه سبک دبستگی وی چیست، انتخاب کنند. روایی محتوایی این آزمون با روش ترجمه و ترجمه مجدد و بازبینی نظر متخصصان توسط مظاهری (۱۹۹۷) به دست آمده است. اعتبار بازآزمایی اندازه گیری مقوله ای این آزمون حدود ۰/۷ محاسبه شده است (مظاهری، ۱۹۹۷). اعتبار این آزمون در پژوهش حاضر ۰/۶۸ به دست آمده است.

□ نظام کدگذاری تعامل زوجین ایرانی (ICICS): نظام مشاهده ای کدگذاری زوجین چک لیستی از تعاملات زوجین و رفتارهای کلامی و غیر کلامی آنها است. این

نظام کدگذاری شامل ۲۳ کد تعاملی است: ۱۵ کد تعاملی منفی، ۱ کد تعاملی خنثی و ۷ کد تعاملی مثبت. این کدها شامل «تنفر»، «هانت»، «کج خلقی»، «سلطه گری»، «انتقاد»، «عصبانیت»، «تنش»، «شوخی عصبی»، «دفاعی رفتار کردن»، «غمگینی»، «دیوار سنگی»، «خانواده»، «هانت به خود»، «تخطئه کردن رابطه» و «قواعد جنسیتی» می باشند. ۷ کد تعامل مثبت شامل «علاقه برای رابطه»، «تصادیق و تایید کردن»، «عاطفه»، «شوخی»، «شگفت زده کردن» و «خود افشایی» و کاربرد کلمه «ما» در روابط زوجین است.

این نظام کدگذاری توسط صادقی، مظاهری و موتابی (۱۳۸۹) برپایه میز گفتگوی گاتمن (۱۹۹۳) و با مرور پژوهشهای تجربی و روشهای کدگذاری مشاهده ای مشابه غربی و با در نظر گرفتن نتایج پژوهشها در زمینه تفاوتهای فرهنگی در این حوزه (کریستنسن و همکاران، ۲۰۰۶؛ تری یاندریس، ۱۳۷۸، هالفورد و همکاران، ۱۹۹۰؛ تومیتا، ۱۹۹۴؛ و...) تهیه شده است. روایی این نظام کدگذاری مشاهده ای از دو طریق همبستگی (روایی توافقی) با نمرات آزمون MAT و تحلیل تشخیصی محاسبه شده و تایید شده است (مراجعه شود به صادقی، ۱۳۸۹). اعتبار این چک لیست نیز از طریق اعتبار بین ارزیابان از طریق همبستگی بین موارد کدگذاری شده بین آنها بررسی و اعتبار مربوط به ملاک پرسشنامه نیز توسط همبستگی بین کدگذاری ارزیابان با کددهنده اصلی محاسبه گردید. همبستگی بین مشاهده گران با استفاده از آزمون r نشان داد که نمرات همبستگی بین هر کدام از کدهای تعاملی بین مشاهده گران دامنه ای از ۰/۵۶ تا ۰/۹۵ دارد که در تمام موارد مقدار $p < ۰/۰۵$ است. همبستگی برای کل تعاملات منفی $r = ۰/۸۲$ و $p < ۰/۰۱$ و نتایج همبستگی برای تمام تعاملات مثبت $r = ۰/۷۶$ و $p < ۰/۰۵$ ، به دست آمد.

● روش اجرا

هر یک از زوجین برای یک مطالعه حدوداً دو هفته به آزمایشگاه «پژوهشگاه خانواده دانشگاه شهید بهشتی» دعوت شدند. در طی جلسه توجیهی کوتاهی، آزمایشگر توضیح مختصری در مورد پژوهش و مراحل انجام کار و هر یک از تکالیف برای زوجین می دهد. پس از پر کردن فرم رضایت توسط زوجین، هر یک از زوجین پرسشنامه های «سبکهای دبلیستگی» و آزمون سازگاری زناشویی را تکمیل می نمودند.

قابل ذکر است که فرم مشخصات جمعیت شناختی که اطلاعاتی در مورد مشخصات فردی شرکت کنندگان؛ همچون سن، مدت ازدواج، میزان تحصیلات، شغل، تعداد فرزندان و، نیز از این فرم کسب شده است. سپس هر یک از زوجین فرمی را برای پر کردن فهرست مشکلات زندگی زناشویی دریافت نمودند و از آنها خواسته شد ۱۰ مورد از مشکلات زندگی مشترک خود را به ترتیب اولویت بنویسند (برای انجام تکلیف اول). در نهایت هر یک از زوجین فرمی را برای پر کردن خاطرات خوب دریافت نموده و از آنها خواسته شد عنوان چند خاطره خوب در زندگی مشترک را یادداشت نمایند (برای انجام تکلیف سوم). پس از تکمیل پرسشنامه ها و فرمها توسط زوجین، زوجین در معرض سه تکلیف قرار گرفتند: در تکلیف اول شامل صحبت زوجین در مورد حل یک مشکل با یکدیگر حدود ۱۵ دقیقه صحبت می کردند. در تکلیف دوم کارتهایی به زوجین داده شد و زوجین می بایست در مورد یک میهمانی که خودشان قرار بود برگزار کنند، در زمانی حدود ۱۰ دقیقه تصمیماتی را اتخاذ نمایند (قدرت تصمیم گیری و تقسیم وظایف و نقشها). در تکلیف سوم که همراه با پذیرایی زوجین از خودشان بود، زوجین حدود ۱۰ دقیقه فرصت داشتند تا راجع به یک خاطره خوب در زندگی مشترکشان با یکدیگر صحبت کنند (مرور خاطره خوب). در این تکلیف ضمن مشاهده رفتارهای کلامی و غیر کلامی زوجین در حین مرور خاطرات خوب به این نکته توجه شد که کدام زوج شروع کننده پذیرایی از دیگری است و این پذیرایی چگونه انجام می شود.

زوجین برای شروع و اتمام هر بخش از تکالیف صدای زنگی را می شنیدند و حدود ۲ دقیقه قبل از شروع هر تکلیفی سکوت می کردند تا مرحله بعدی شروع شود. قابل ذکر است زوجین بر روی صندلی های راحتی رو به روی هم نشاند می شدند و کلیه رفتارهای کلامی و غیر کلامی زوجین توسط یک میکروفن حساس و دو دوربین فیلمبرداری که بالای سر زوجین نصب شده بود و هر حرکت مشهود بالا تنه آنها را ثبت می کرد، ضبط می شد. این دوربین ها با قدرت تمرکز بالا از خارج از اتاق توسط آزمایشگر قادر به تنظیم فاصله بود و وقتی زوجین برای انجام تکالیف آماده بودند آزمایشگر اتاق را ترک و به اتاق مجاور می رفت تا ضمن واقعی تر کردن فضای زوجین، تعاملات آنها را مشاهده و بر روی نوار ویدئویی و دستگاه رایانه ضبط نماید

برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به صادقی، (۱۳۸۹). لازم به توضیح است که تمامی زوجین از جریان فیلمبرداری ویدیویی از مکالمات آنها آگاه بوده‌اند و علاوه بر آن از هریک از زوج‌ها به طور جداگانه فرم رضایت جهت شرکت در آزمون نیز اخذ شده. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمونهای خی دو، تجزیه و تحلیل کراسکال والیس، استفاده شد.

● یافته‌ها

در این بخش ابتدا جفت شدن الگوهای زوجین در گروههای «سازگار» و «ناسازگار» مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به سه سبک دل‌بستگی «ایمن»، «نا/ایمن مضطرب» و «نا/ایمن اجتنابی»، سه الگوی جور شدن سبک زوجی به وجود می‌آید: هر دو زوج ایمن، یکی از زوجین ایمن و دیگری نایمن و هر دو زوج نایمن. برای بررسی تفاوت جفت شدن الگوهای زوجین در گروههای سازگار و ناسازگار زوجین به دلیل اینکه فراوانی بیش از یک پنجم از خانه‌ها کمتر از ۵ می‌شد بنابراین دو الگوی جفت شدن دل‌بستگی یکی از زوجین ایمن و دیگری نایمن با هردو نایمن در هم ادغام، و دو الگوی جفت شدن دل‌بستگی برای زوجین در نظر گرفته شد. در جدول ۲ نتایج تحلیل داده‌ها نشان داده شده است.

همان طور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد در حالی که ۸۰٪ جفت شدن سبکهای دل‌بستگی زوجین سازگار از نوع هر دو ایمن می‌باشد، در زوجین ناسازگار جفت شدن سبک دل‌بستگی ایمن هر دو زوج ۲۵٪ بوده است. همچنین ۷۵٪ جفت شدن سبک دل‌بستگی زوجین متعلق به گروه ناسازگار، یا از نوع هر دو نایمن (۳=n)، و یا یکی از زوجین ایمن و دیگری نایمن (۹=n) است.

جدول ۲- تفاوت زوجین سازگار و ناسازگار در جفت شدن سبکهای دل‌بستگی

کل	جفت شدن سبکهای دل‌بستگی زوجین		گروه زوجین
	هر دو ایمن	یکی ایمن و دیگری نایمن، هر دو نایمن	
۱۵	۱۲ (۸۰٪) ۷/۷	۳ (۲۰٪) ۷/۳	سازگار فراوانی مشاهده شده % فراوانی مورد انتظار %
۱۶	۴ (۲۵٪) ۷/۶	۱۲ (۷۵٪) ۶/۷	ناسازگار فراوانی مشاهده شده فراوانی مورد انتظار

$$\chi^2_{(1)} = 9/37 \text{ و } p = 0/002$$

در جدول‌های ۳ و ۵ به بررسی الگوهای تعاملی زوجین ایمن و نایمن پرداخته شده است. به دلیل این که تعداد زوجین هر دو نایمن ۳ زوج می باشد تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس کراسکال والیس برای دستیابی به نتایجی دقیقتر انجام شده است. در جدول ۳ نتایج تحلیل داده‌ها در مورد میزان استفاده از تعاملات مثبت و منفی زنان و شوهران آنها در زوجین با سبکهای دل‌بستگی متفاوت نشان داده شده است.

جدول ۳- تفاوت کاربرد تعاملات مثبت و منفی زنان و شوهران زوجین با سبکهای دل‌بستگی متفاوت

متغیر	جفت شدن سبکهای دل‌بستگی	تعداد	میانگین	میانگین رتبه	$\chi^2_{(3)}$
تفاوت در تعاملات مثبت	هر دو زوج ایمن	۱۸		۱۱/۹۲	* ۱۰/۹۸
	یکی ایمن و دیگری نایمن	۱۰	۳۳/۰۶	۱۹/۵۵	
	هر دو زوج نایمن	۳		۲۸/۶۷	
تفاوت در تعاملات منفی	هر دو زوج ایمن	۱۸		۱۲/۸۶	* ۷/۰۸
	یکی ایمن و دیگری نایمن	۱۰	۳۸/۵۸	۱۸/۴۵	
	هر دو زوج نایمن	۳		۲۶/۶۷	
تفاوت در تعاملات مثبت و منفی	هر دو زوج ایمن	۱۸		۱۹/۲۵	* ۵/۹۲
	یکی ایمن و دیگری نایمن	۱۰	۳۳/۵۱	۱۲/۴۰	
	هر دو زوج نایمن	۳		۸/۵۰	
تفاوت در تعاملات مثبت و منفی و تفاوت در تعاملات مثبت و منفی	هر دو زوج ایمن	۱۸		۱۹/۷۵	* ۸/۳۶
	یکی ایمن و دیگری نایمن	۱۰	۳۴/۴۱	۱۲/۲۰	
	هر دو زوج نایمن	۳		۶/۱۷	

* $p < 0.05$

همان طور که در جدول ۳ گزارش شده است میانگین رتبه تعاملات مثبت بین زنان و شوهران با جفت شدن سبک دل‌بستگی هر دو ایمن در مقایسه با زوجین یکی ایمن و دیگری نایمن و هر دو نایمن بالاتر می باشد. به عبارت دیگر زوجین با سبک دل‌بستگی هر دو نایمن در مقایسه با زوجین دیگر تعاملات منفی بیشتری دارند و میزان استفاده بالا از این نوع تعاملات منفی در زنان و شوهران آنها در مقایسه با سایر گروهها بسیار بیشتر و تفاوت معنادار است.

در جدول ۴ تفاوت کدهای کلامی و غیرکلامی منفی و مثبت در بین زوجین با انواع سبکهای دل‌بستگی بررسی شده است.

جدول ۴- تفاوت کاربرد تعاملات منفی و مثبت در زنان و شوهران متعلق به سبکهای دل‌بستگی متفاوت

کدهای منفی	جفت شدن سبکهای دل‌بستگی	تعداد میانگین میانگین	$\chi^2(2)$	کدهای منفی	میانگین	میانگین رتبه
تنش	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۳/۲۵	میانگین	۱۳/۱۴	
	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۱۷/۳۵		۳/۶۷	۱۷/۵۵
	هر دو زوج نالایمن	۳	۲۸/۰۰		۸/۲۴	
	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۴/۰۰		۲۸/۰۰	
	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۱۷/۵۵		۲/۱۹	۱۸/۱۵
	هر دو زوج نالایمن	۳	۲۲/۸۳		۱۹/۸۳	
اهانت	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۳/۲۵	تنش	۱۴/۱۸	
	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۱۸/۲۵		۳/۰۹	۱۹/۸۵
	هر دو زوج نالایمن	۳	۲۸/۰۰		۱۴/۱۷	
	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۳/۲۲		۱۴/۲۵	
	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۱۸/۶۵		۱/۶۱	۱۷/۶۰
	هر دو زوج نالایمن	۳	۲۳/۸۳		۲۰/۱۷	
کج خلقی شوهران	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۶/۰۳	شوخی عصبی	۱۵/۶۹	
	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۱۴/۲۰		۰/۴۸	۱۵/۷۰
	هر دو زوج نالایمن	۳	۲۱/۸۳		۱۸/۸۳	
	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۳/۶۷		۱۵/۳۶	
	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۱۶/۳۰		۰/۳۸	۱۶/۱۵
	هر دو زوج نالایمن	۳	۲۹/۰۰		۱۹/۳۳	
سلطه‌گری شوهران	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۴/۰۸	دیوار سنگی	۱۴/۲۷	
	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۱۵/۷۰		۰/۷۴	۱۹/۲۰
	هر دو زوج نالایمن	۳	۲۸/۵۰		۱۳/۰۰	
	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۵/۴۴		۱۴/۳۱	
	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۱۴/۷۰		۱/۰۹	۱۹/۸۰
	هر دو زوج نالایمن	۳	۲۳/۶۷		۱۳/۵۰	
انتقاد	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۳/۸۱	اهانت و توهین به خانواده همسر	۱۴/۱۴	
	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۲۰/۵۵		۷/۲۹	۱۵/۲۵
	هر دو زوج نالایمن	۳	۲۰/۰۰		۲۹/۶۷	
	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۳/۲۵		۱۴/۲۸	
	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۱۷/۵۵		۶/۳۵	۱۵/۸۰
	هر دو زوج نالایمن	۳	۲۷/۳۳		۲۷/۰۰	
اهانت به خود	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۵/۲۸	علاقه برای ایمن	۱۹/۵۳	
	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۱۶/۴۵		۵/۷۰	۱۵/۲۵
	هر دو زوج نالایمن	۳	۱۸/۸۳		۶/۵۰	

ادامه جدول ۴- تفاوت کاربرد تعاملات منفی و مثبت در زنان و شوهران متعلق به سبکهای دل‌بستگی متفاوت

کدهای منفی	جفت شدن سبکهای دل‌بستگی	تعداد میانگین میانگین	$\chi^2_{(2)}$	کدهای میانگین میانگین	رتبه
۱۹/۵۴	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۴/۹۷	۱/۱۶	۱۲/۸۰
۸/۲۵ *	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۱۷/۰۵	۱/۰۹	۵/۹۶
۵/۵۱	هر دو زوج نالایمن	۳	۱۸/۶۷		
۱۸/۲۲	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۲/۲۵		
۲/۷۵	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۲۰/۸۰	۸/۵۷ *	۱۱/۴۸
۱۱/۰۰	هر دو زوج نالایمن	۳	۲۲/۵۰		
۱۸/۹۷	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۲/۸۳		
۴/۸۷ *	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۲۰/۰۰	۶/۳۸ *	۱۱/۷۰
۹/۸۳	هر دو زوج نالایمن	۳	۲۱/۶۷		
۱۹/۲۸	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۴/۵۱		
۷/۱۹ *	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۱۶/۰۵	۲/۱۳	۵/۸۵
۶/۵۰	هر دو زوج نالایمن	۳	۲۱/۱۷		
۱۹/۵۳	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۵/۱۱		
۷/۹۴ *	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۱۶/۴۵	۲/۴۲	۵/۳۵
۶/۴۳	هر دو زوج نالایمن	۳	۲۲/۰۰		
۱۶/۵۳	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۳/۵۱	۴/۶۵ *	
۱/۰۹	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۱۷/۸۵	۹/۳۵	۱/۳۳
۱۲/۰۱	هر دو زوج نالایمن	۳	۲۴/۸۳		
۱۸/۴۴	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۲/۸۶	۷/۰۱ *	
۴/۴۵	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۱۸/۵۰	۸/۴۵	۳/۱۹
۹/۰۰	هر دو زوج نالایمن	۳	۲۶/۵۰		
۱۶/۸۹	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۴/۷۸		
۱/۱۸	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۱۷/۳۵	۴/۴۰	۰/۹۰
۱۳/۵۰	هر دو زوج نالایمن	۳	۱۹/۰۰		
۱۷/۳۱	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۴/۷۷		
۲/۰۱	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۱۹/۸۵	۲/۲۵	۰/۴۱
۱۳/۰۰	هر دو زوج نالایمن	۳	۱۰/۵۰		
۱۹/۰۸	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۹/۷۸		
۵/۴۷ *	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۱۲/۰۵	۸/۷۹ *	۴/۲۲
۱۱/۱۷	هر دو زوج نالایمن	۳	۶/۵۲		
۱۰/۰۵	هر دو زوج ایمن	۱۸	۱۹/۱۷	۴/۰۶	۳/۷۱
۱۱/۳۰ *	یکی ایمن و دیگری نالایمن	۱۰	۱۲/۱۰	۸/۸۰ *	
۷/۰۰	هر دو زوج نالایمن	۳	۶/۴۸		

*p < ۰/۰۵

نتایج گزارش شده در جدول ۴ نشان می‌دهد که در تعاملات منفی میزان تنفر، اهانت، انتقاد، دفاعی رفتار کردن زوجین نسبت به یکدیگر، نسبت به هم بی تفاوت بودن یا دیوار سنگی، اهانت و توهین به خانواده‌های یکدیگر و تخطئه کردن رابطه یا زیرسؤال بردن رابطه‌ها در زوجین (هم زنان و هم شوهران آنها) با سبک دل‌بستگی هر دو نایمن در مقایسه با سایر جفت شدن سبکهای دل‌بستگی زوجین بیشتر می‌باشد. هم چنین زنان زوجین با سبک دل‌بستگی هر دو نایمن نسبت به زنان سبکهای هر دو ایمن و حتی یکی ایمن و دیگری نایمن، از رفتارهای سلطه‌گری (از قبیل؛ رئیس‌وار رفتار کردن، پیوسته صحبت کردن و اتمام حجت و تهدید به جدایی) بیشتر استفاده کرده و میزان عصبانیت آنها نیز (مانند؛ بقراری در صحبت، تاکید و فشار در صحبت و بالا بردن تن صدا)، نسبت به زنان دو گروه دیگر به طور معناداری بیشتر است.

همچنین در جدول ۴ به تفاوت کاربرد کدهای کلامی و غیرکلامی مثبت در زوجین با سبکهای مختلف دل‌بستگی پرداخته شده است. طبق نتایج تحلیل داده‌ها در جدول مذکور، برعکس میزان کاربرد کدهای کلامی و غیرکلامی منفی که در زوجین با سبک دل‌بستگی هر دو نایمن نسبت به سایر گروه‌ها بالاتر بود، در این جدول مشاهده می‌شود که زوجین با سبک دل‌بستگی هر دو ایمن ارتباط مثبتی با یکدیگر داشته و میزان تعاملات مثبت رد و بدل شده بین آنها نسبت به سایر گروه‌ها بسیار بالاتر است. این تفاوت‌های معنادار به گونه‌ای است که زنان و شوهران با سبک دل‌بستگی هر دو ایمن ضمن اظهار علاقه برای رابطه خودشان، عاطفه بیشتری به یکدیگر نشان داده (با همدلی و جملات عاشقانه و دوستانه)، خود افضایی بیشتری دارند و برای رابطه دوتایی خود بیشتر از کلمه «ما» استفاده می‌کنند.

در اینجا نیز مشابه نتایج سایر جدول‌ها زوجینی که یکی از آنها سبک دل‌بستگی ایمن و دیگری نایمن دارد در تعاملات مثبت میانگین نمره و نیز میانگین رتبه وسط را دارد. به عبارت دیگر این زوجین در مقایسه با زوجین با سبک دل‌بستگی هر دو نایمن تعاملات منفی کمتری با یکدیگر دارند اما در مقایسه با زوجین با سبک دل‌بستگی هر دو ایمن تعاملات مثبت کمتری را با یکدیگر رد و بدل می‌کنند.

● بحث و نتیجه‌گیری

به طور خلاصه نتایج پژوهش حاضر نشان داد جفت شدن سبکهای دل‌بستگی زوجین سازگار در مقایسه با گروه ناسازگار از نوع هر دو ایمن می باشد. اگرچه در زوجین سازگار، زوجینی با سبک دل‌بستگی ایمن و دیگری نایمن وجود دارد، اما سبک دل‌بستگی هر دو نایمن فقط در زوجین ناسازگار مشاهده شده است.

○ از سویی دیگر مقایسه میزان تعاملات مثبت و منفی رد و بدل شده بین زوجین با سبکهای دل‌بستگی مختلف نشان داد زوجین با سبک دل‌بستگی هر دو نایمن در مقایسه با زوجین دیگر تعاملات منفی بیشتری دارند و در گفتگو با یکدیگر میزان تنفر، اهانت، انتقاد، دفاعی رفتار کردن و یا لجبازی نسبت به یکدیگر، نسبت به هم بی تفاوت بودن یا دیوار سنگی، اهانت و توهین به خانواده های یکدیگر و تخطئه کردن رابطه یا زیرسؤال بردن رابطه ها در زنان و شوهران آنها در مقایسه با دو گروه دیگر بیشتر است. هم چنین زنان زوجین با سبک دل‌بستگی هر دو نایمن نسبت به زنان زوجینی با سبکهای هر دو ایمن و حتی یکی ایمن و دیگری نایمن، از رفتارهای سلطه گری از قبیل؛ رئیس وار رفتار کردن، پیوسته صحبت کردن و اتمام حجت و تهدید به جدایی بیشتر استفاده کرده و میزان رفتارهای عصبانی آنها مانند؛ بیقراری در صحبت، تاکید و فشار در صحبت و بالا بردن تن صدا، نسبت به زنان دو گروه دیگر به طور معناداری بیشتر است. این در حالی است که زوجین با سبک دل‌بستگی هر دو ایمن به گونه ای ارتباط مثبتی با یکدیگر دارند که زنان و شوهران ضمن اظهار علاقه به رابطه خودشان، با همدلی و اظهار جملات عاشقانه و دوستانه، عاطفه بیشتری به یکدیگر نشان داده و خود افشایی بیشتری دارند و برای رابطه دوتایی خود بیشتر از کلمه «ما» استفاده می کنند. البته نکته قابل ذکر این جا است که زوجینی که یکی از آنها سبک دل‌بستگی ایمن و دیگری نایمن دارد در مقایسه با زوجین با سبک دل‌بستگی هر دو نایمن تعاملات منفی کمتری با یکدیگر دارند اما در مقایسه با زوجین با سبک دل‌بستگی هر دو ایمن تعاملات مثبت کمتری را با یکدیگر رد و بدل می کنند.

○ نتایج گزارش شده در این پژوهش همسو با نتایج مطالعات متعدد دیگر در این حوزه (لاکی، ۲۰۰۸؛ پیلاگ و همکاران، ۲۰۰۶؛ رویزمن و همکاران، ۲۰۰۵؛ مظاهری، ۱۳۷۹، فینی و نولر، ۱۹۹۰)، حاکی از آن است که بزرگسالان با سبکهای دل‌بستگی

متفاوت، الگوهای ارتباطی متفاوتی نیز دارند و دل‌بستگی عاملی قوی برای پیش‌بینی عملکرد زناشویی و رفتارهای ارتباطی بین آنها به شمار می‌آید. به عنوان نمونه در حالی که رفتارهای زوجین با سبک دل‌بستگی ایمن و ناایمن مضطرب به دنبال کسب صمیمیت (البته به طرق مختلف) است، زوجین با سبک دل‌بستگی اجتنابی رفتارهای پس‌رونده و دوری‌گزین دارند (گائرو، ۱۹۹۶). همچنین در زوجینی با سبک دل‌بستگی ایمن میزان کاربرد تعامل مثبت بین زوجین بیشتر و در نتیجه میزان سازگاری آنها نیز بالاتر است (نتایج پژوهشهای گسترده‌ای در این زمینه حاکی از آن است که میزان استفاده از تعاملات مثبت یا منفی معیار تشخیصی مناسبی برای تمایز بین زوجین سازگار و ناسازگار می‌باشد، رک: کریستنسن و همکاران، ۲۰۰۶؛ کریچ و باکوم، ۲۰۰۴؛ هالفورد و همکاران، ۱۹۹۰؛ گاتمن و همکاران، ۲۰۰۲).

○ اگر طبق نظریه دل‌بستگی پذیرفته شود که تجربیات تحولی دوران اولیه تحول با مراقبین اصلی، در بازنمایی شناختی-عاطفی (الگوهای کاری) از خود، دیگران و روابط با دیگران مهم یکپارچه می‌شود (کالو و اسمیت، ۲۰۰۱)، این طور به نظر می‌آید که زوجین دل‌بسته ایمن در مقایسه با زوجین ناایمن روابط غنی‌تر، اعتماد به نفس بیشتر و احساس راحتی و صمیمیت بیشتری با همسرانشان دارند (پنلاگ و همکاران، ۲۰۰۶). از سویی دیگر زوجین دل‌بسته ناایمن مضطرب با ادراک منفی از خود اما مثبت از دیگران بااهمیت، در جستجوی رابطه‌ای عاطفی و صمیمی از دیگران می‌باشند و زوجین دل‌بسته ناایمن اجتنابی نیز با دیدگاهی منفی از خود و دیگران مهم رابطه‌ای سرد و فاصله‌دار ایجاد می‌کنند که در نتیجه منجر به اجتناب از یکدیگر خواهد شد. به باور پیلاگ و همکاران (۲۰۰۶) جستجوی مداوم صمیمیت در رابطه از دیگران مهم همراه با اضطراب زیاد خود تنشهای فراوانی در پی دارد و منجر به افزایش تنیدگی می‌شود. حکیم‌جوادی و همکاران (۱۳۸۶) اعتقاد دارند هر چه دل‌بستگی ایمن کمتر و دل‌بستگی دوسوگرا (ناایمن مضطرب) بیشتر باشد، فرد در ارتباطات، بخصوص روابط نزدیک خود ناتوان در تشخیص عواطف دیگری و اثرپذیری از آن است. این بدان معنا است که زوجین با سبک دل‌بستگی ناایمن مضطرب در نتیجه عدم درک عواطف دیگران، عدم درک خوشحالی و ناراحتی آنها متحمل بیشترین تنیدگی می‌شوند. از سوی دیگر در «سبک دل‌بستگی/اجتنابی» که با فاصله و سردی همراه است، فاصله زوجین از یکدیگر

منجر به افزایش تعاملات منفی و کاهش تعهد و رضایت در روابط زوجین خواهد شد تا جایی که به کم رنگ شدن روابط و رنگ باختن آنها منجر خواهد شد. این مساله تا جایی است که نتایج مطالعات رولز و سیمپسون و استیونز (۱۹۹۸) و فینی و کیرکپاتریک (۱۹۹۶)، هر دو به نقل از فینی، (۲۰۰۲)، سیمپسون و رولز (۱۹۹۸) نشان داده است در مواقع تنیدگی زنان دل‌بسته ایمن در مقایسه با زنان دل‌بسته نالایمن اجتنابی بیشتر به دنبال حمایت هستند.

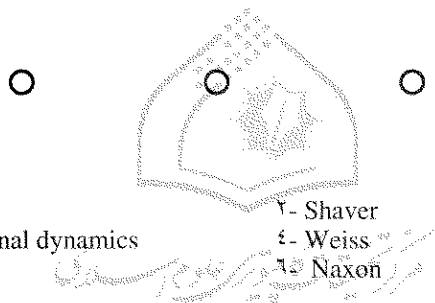
○ در نظریه دل‌بستگی اشاره می‌شود «دل‌بستگی توسعه پیوند عاطفی در روابط بین افراد/ست» (ربر، ۱۹۹۵، به نقل از پلسیز، ۲۰۰۶)، و ارتباط عنصر جدانشدنی بافت و زمینه هر گونه روابطی. ارتباط عبارت است از پیامی که توسط فرستنده فرستاده می‌شود و وی توقع دارد این پیام در همان شرایط مشابه عاطفی خود، توسط گیرنده ادراک شود. در جفت شدن سبکهای دل‌بستگی اگر این نوع جفت شدن از نوع نالایمن نالایمن نامناسب و یا ایمن نالایمن باشد، به علت تفاوت در رشد این پیوند عاطفی، ارتباط ضعیف، و ضعف ارتباط منجر به ایجاد تعارض و روابط مختل خواهد شد (پلسیز، ۲۰۰۶). از سوی دیگر اگر طبق نظر بارثولومئوس (۱۹۹۱) به انواع سبکهای دل‌بستگی طبق الگوی موثر روانی نگاه کنیم و آن را به دو طریق نگاه به خود و نگاه به دیگران در نظر بگیریم، زوجینی با سبک دل‌بستگی اجتنابی به دلیل نگاه منفی به دیگران مهم، ترس از صمیمیت، و رد ارتباطات نزدیک، مولفه‌های صمیمت و تعهد رابطه برایشان مهم نیست. در مقابل زوجینی با «سبک دل‌بستگی اضطرابی» به علت نگاه منفی به خود، ضمن اعتماد به نفس پایین، وابسته به رفتار دیگران برای رفع نیازها و رضایت داشتن از رابطه هستند. بنابراین جفت شدن زوجین با سبکهای دل‌بستگی متفاوت با توجه به خصوصیات مختلف می‌تواند ضمن ایجاد تعارض، ثبات زندگی زناشویی را نیز تهدید نماید.

در پایان اشاره می‌شود با توجه به تعریف کمپل و همکاران (۲۰۰۵) ما نیز بر این اعتقادیم که دل‌بستگی توضیح ادراک افراد از شکل‌های روابط کلیدی قبلی است که بر روی روابط و ارتباطات جدید تاثیر گذار است و سنگ بنای این ارتباط (ایجاد و توسعه آن) در فرایند دل‌بستگی و تحت تاثیر فرهنگ، تکامل و عملکرد دل‌بستگی قرار دارد. آنچه واضح است توجه به این نکته است که جفت شدن سبکهای دل‌بستگی نامناسب در

تنظیم فاصله مرزهای زوجین و بروز تعارض زناشویی و ناکارآمدی الگوهای ارتباطی در بین زوجین مقدمات جدایی و طلاق را فراهم می‌آورد و یکی از بهترین راهها برای افزایش کیفیت و کمیت ارتباط در تعاملات زناشویی و حل مناسب تعارضات بین زوجین و کاهش نرخ طلاق، شناسایی این سبکها در قبل از ازدواج و کمک به جفت شدن مناسب این سبکها در زوجین می‌باشد.

● تشکر و قدردانی

پژوهشگران مراتب سپاسگزاری خود را از مسئولین پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی که آزمایشگاه پژوهشکده را برای انجام این پژوهش در اختیار محققین قرار دادند و اجرای این پژوهش را ممکن ساختند، اعلام می‌نمایند.



یادداشت‌ها

- ۱- safe secure
- ۲- Shaver
- ۳- complex emotional dynamics
- ۴- Weiss
- ۵- Miculincer
- ۶- Naxon
- ۷- Pistol
- ۸- Attachment Styles Questionnaire (ASQ)
- ۹- Marital Adjustment Test (MAT)
- ۱۰ Iranian Couples Interaction Coding System (ICICS)

منابع

- حمیدی، فریده. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبکهای دل‌بستگی با رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متاهل دبیری. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، شماره ۹ (۳)، ۴۴۳-۴۵۴.
- تری یاندیس، هری. س. (۱۳۷۸). *فرهنگ و رفتار اجتماعی*. ترجمه نصرت فتی. تهران: رسانه.
- رمضانی، نازگل (۱۳۸۷). *مقایسه سرسختی در زوجین*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- حکیم جواد، منصور، مظاهری، محمد علی، غلامعلی لواسانی، مسعود، و باباریع، مهدیه. (۱۳۸۶). *مقایسه رابطه ناتوانی هیجانی و استرس و دل‌بستگی در زوجهای در شرف طلاق*. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، شماره ۱۲ (۳)، ۸۳۹-۸۲۷.
- صادقی، منصوره السادت، مظاهری، علی. و موتابی، فرشته. (۱۳۹۰). *نظام کدگذاری مشاهده‌ای از تعاملات دو جانبه زوجین*. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، شماره ۲۳.

- صادقی، منصوره السادات، (در حال آماده سازی). بررسی مولفه های روانسنجی مقیاس سازگاری زناشویی (MAT) در زوجین ایرانی.
- مظاهری، علی. (۱۳۷۹). نقش دلبستگی بزرگسالان در کنش وری ازدواج. *مجله روانشناسی*، شماره ۱۵ (۴)، ۲۸۶-۳۱۹.
- Bakermans-Kranenburg, M. J., Van Ijzendoorn, M. H., & Juffer, F. (۲۰۰۳). Less is more: Meta analyses of sensitivity and attachment intervention in early childhood. *Psychological Bulletin*, ۱۲۹, ۱۹۵-۲۱۵.
- Bans, R. (۲۰۰۴). Adult attachment and marital satisfaction: Evidence for dyadic configuration effects. *Journal of Social and Personal Relationships*, ۲۱, ۲۷۳-۲۸۲.
- Bartholomew, K., & Horowitz, L. M. (۱۹۹۱). Attachment style among young adults: A test of a four category model. *Journal of Social and Personal Relationships*, ۶, ۲۲۶-۲۴۴.
- Bowlby, J. (۱۹۸۸). *A secure base: Clinical applications of attachment theory*. London: Tavistock Press.
- Bowlby, J. (۱۹۶۹). *Attachment and loss: Attachment (Vol. ۱)*. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (۱۹۷۳). *Attachment and loss: Separation, anxiety, and anger (Vol. ۲)*. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (۱۹۸۰). *Attachment and loss: Loss (Vol. ۳)*. New York: Basic Books.
- Campbell, L., Simpson, J. A., Boldry, J., & Kashi, D. A. (۲۰۰۵). Perception of conflict and support in romantic relationships: The role of attachment anxiety. *Journal of Personality and Social Psychology*, ۸۸, ۵۱۰-۵۳۱.
- Christensen, A., Eldridge, K., Catta-Prêta, A. B., Lim, V. R., & Santagata, R. (۲۰۰۶). Cross-cultural Consistency of the Demand/Withdraw Interaction Pattern in Couples. *Journal of Marriage and Family*, ۶۸(۴): ۱۰۲۹-۱۰۴۴.
- Collins, N.L., & Read, S.J. (۱۹۹۰). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, ۵۸, ۶۴۴-۶۶۳.
- Doizer, M., Stovall, K. C., & Albus, K. (۱۹۹۹). Attachment and psychopathology in adulthood. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (pp. ۴۹۷-۵۱۹). New York: Guilford.
- Feeney, J.A. (۲۰۰۲). Attachment, marital interaction and relationship satisfaction. *Personal Relationship*, ۱۳, ۱۹-۳۶.
- Feeney, J.A. (۱۹۹۹). Adult romantic attachment and couple relationships. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (pp. ۳۵۵-۳۷۷). New York: Guilford.
- Fraley, R.C., & Shaver, P.S. (۲۰۰۰). Adult romantic attachment: Theoretical developments, emerging controversies, and unanswered questions. *Review of General Psychology*, ۴, ۱۳۲-۱۵۴.

- Gallo, L.C., & Smith, T.W. (۲۰۰۱). Attachment style in marriage: Adjustment and responses to interaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, ۱۸, ۲۶۳-۲۸۹.
- Gottman, J.M., Swanson, C., & Swanson, K. (۲۰۰۲). A general system theory of marriage: Nonlinear difference equation modeling of marital interaction. *Personality and Social Psychology Review*, ۶(۴), ۳۲۶-۳۴۰.
- Gottman, J.M., & Notarius, C. (۲۰۰۲). Marital research in the ۲۰th century and a research agenda for the ۲۱st century. *Family Process Journal*, ۴۱: ۱۵۹-۱۷۹.
- Gottman, J.M. (۱۹۹۳). The role of conflict engagement, escalation, and avoidance in marital interaction: A longitudinal view of five types of couples. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, ۶۱(۱): ۶-۱۵.
- Guerrero, L.K. (۱۹۹۶). Attachment style differences in intimacy and involvement: A test of the four category model. *Communication Monographs*, ۶۳, ۲۶۲-۲۹۳.
- Gurman, A.S., & Fraenkel, P. (۲۰۰۲). The history of couple therapy: A millennial review. *Family Process*, ۴۱, ۱۹۹-۲۶۰.
- Halford, W.K., Hahlweg, K., & Dunne, M. (۱۹۹۰). The cross-cultural consistency of marital communication associated with marital distress. *Journal of Marriage and the Family*, ۵۲(۲), ۴۸۷-۵۰۰.
- Hazan, C., & Shaver, P.R. (۱۹۹۴). Attachment as an organisational framework for research on close relationships. *Psychological Inquiry*, ۵, ۱-۲۲.
- Hindy, C. G., & Schwarz, J. C. (۱۹۹۴). *Anxious romantic attachment in adult relationships*. In M. B. Sperling, & W. H. Berman (Eds.), *Attachment in adults. Clinical and developmental perspectives* (pp.۲۲۳-۲۸۸). New York, London: The Guilford Press.
- Johnson, S. M., & Whiffen, V. E. (۲۰۰۳). *Attachment processes in couple and family therapy*. New York: Guilford.
- Kerig, P. K. & Baucom, D. H. (۲۰۰۴). *Couple Observational Coding System*. London: Lawrence Erlbaum Associates.
- Locke, K. D. (۲۰۰۸). Attachment styles and interpersonal approach and avoidance goals in everyday couple interactions. *Personal Relationships*, ۱۵, ۳۵۹-۳۷۴.
- Mazaheri – Tehrani, M. A. (۱۹۹۷). *Attachment from a systemic perspective: A study of Iranian families*. Thesis submitted for Ph.D. Birkbeck College, University of London.
- Pearson, J. L., Cohn, D. A., Cowan, P. A., & Cowan, C. P. (۱۹۹۴). Earned- and continuous-security in adult attachment: relation to depressive symptomatology and parenting style. *Development & Psychology*, ۶, ۳۵۹-۳۷۳.
- Plessis, K. (۲۰۰۶). *Attachment and conflict in close relationships: The association of attachment with conflict resolution styles, conflict beliefs, communication accuracy and relationship satisfaction*. A thesis presented in partial fulfilment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Psychology, Massey University, Albany, New Zealand.

- Pielage, S.B., Barelds, D. P. H., J. Gerlisma., C. P. D. R., Schaap. (۲۰۰۶). Adult attachment and couples verbal and nonverbal communication patterns in a stressful situation. *Manuscript submitted for publication.*
- Roisman, G. I., Collins, A. W., Sroufe, A., L., & Egeland., B. (۲۰۰۵). Predictors of young adults' representations of and behavior in their current romantic relationship: Prospective tests of the prototype hypothesis. *Attachment & Human Development*, ۴ (۲), ۱۰۵-۱۲۱.
- Senchak, M., & Leonard, K. E. (۱۹۹۲). Attachment styles and marital adjustment among newlywed couples. *Journal of Social and Personal Relationships*, ۹, ۵۱-۶۴.
- Simpson, J. A., & Rholes, W. S. (۱۹۹۸). *Attachment theory and close relationships*. New York: Guilford.
- Tomita, S. K. (۱۹۹۴). The consideration of cultural factors in the research of elder mistreatment with an in-depth look at the Japanese. *Journal of Cross-Cultural Aging*, ۹, ۳۸-۵۲.
- Wampler, K. S., Shi, L., Nelson, B. S., & Kimball, Th. G. (۲۰۰۳). The adult attachment interview and observed couple interaction: Implications for an intergenerational perspective on couple therapy. *Family Process*, ۴۲(۴), ۴۹۷-۵۱۵.
- Waters, E., Crowell, J., Elliott, M., Corcoran, D., & Treboux, D. (۲۰۰۲). Bowlby's secure base theory and the social/personality psychology of attachment styles: Work(s) in progress. *Attachment and Human Development*, ۴, ۲۳۰-۲۴۲.
- Wood, B. L. (۲۰۰۲). Attachment and family systems: Introduction. *Family Process*, ۴۱(۳), ۲۸۴.

